

۶۴۳

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۶ فروردین ۱۴۰۱ - ۱۵ آوریل ۲۰۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

تحولات ۲۰۱۴ اوکراین مقدمه ای بر جنگ فاجعه بار کنونی

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برگزار شد

رسانه ها و سیاست

بخش اول

صفحه ۵

نادر شریفی

چپ شورایی در بوته نقد یا هجوم

به بهانه مناظره اسماعیل بخشی و مجید توکلی در کلاب هاوس

صفحه ۸

جاوید حکیمی

اول مه ۲۰۲۲

علیه جنگ، علیه سرمایه داری

کابوس گسترش جنگ در گشت و گذار است؛ دولتها و سیاستمداران بورژوا، با تهدید استفاده از سلاحهای بیولوژیکی و شیمیایی و اتمی، نفس را در سینه جهان حبس کرده اند. مفسران و ناظران سیاسی از خطر روزافزون جنگ اتمی میگویند و دیپلماسی بورژوازی به صحنه دوئل و تهدید و آژیتاسیون جنگی بدل شده است. دولتها بر طبل توقف جنگ می کوبند اما ممانعت از هر توافق و ارسال سلاح و سیاست جنگ طولانی را در دستور قرار دادند. سرمایه داری و دولتهای جنگ طلب بشریت را گروگان گرفته اند. جهان هنوز از مشقات و پیامدهای دهشتناک پاندمی کرونا خلاص نشده است که قدرتهای بزرگ سرمایه داری بار دیگر جهان را وارد جنگ و رقابت امپریالیستی و دورانی پرمخاطره و سرنوشت ساز کرده اند.

این وضعیت مشخص نیازمند پاسخ انقلابی جنبش سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر است. پاسخ انقلابی به جنگ دولتهای امپریالیستی، که اوکراین تنها یک جبهه نبرد آنست و با سیاستهای جنگ طلبانه دولتها گسترش خواهد یافت؛ نه سیاست شرکت در جنگ، نه سیاست حمایت از یکی از بلوکها و دولتهای درگیر، نه سیاستهای سوسیال شوونیستی و ناسیونالیستی و

صفحه ۲

اعلامیه

شورای همکاری

نیروهای چپ و

کمونیست

بمناسبت اول ماه مه

۲۰۲۲ (۱۱ اردیبهشت)

روز جهانی کارگر



ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر و امیر عسگری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اول مه ۲۰۲۲

علیه جنگ، علیه سرمایه داری ...

شده است. دیگر حتی صورت ظاهر را رعایت نمی کنند، دوران جنگ و قانون جنگ و سلطه میلیتاریسم و سانسور حقایق و نفرت پراکنی ملی و آدمکشی است. این بورژوازی است و این تاکید مجدد این حقیقت ساده است که بورژوازی در هر لباس و نامی مرتجع و تبعیض گر و ضد کارگر است.

۶- در اول ماه امسال طبقه کارگر و مردم تحت تبعیض و استثمار در کشورهای مختلف، باید علیه نظام و حکومت‌های سرمایه داری به میدان بیاید، ادعای انقلابی خود را علیه نظم ویرانگر کنونی اعلام کنند، با صدای بلند علیه جنگ امپریالیستی و اهداف ارتجاعی آن حرف بزنند و پرچمدار واقعی توقف فوری جنگ شود. ضروری است سازمان‌های کارگری جهان با شعار "قطع جنگ بیدرنگ"، "علیه جنگ سرمایه داران، علیه میلیتاریسم"، مردم مخالف جنگ را بسیج و بمیدان بیاوردند.

۷- ایران یک کشور استثنائی با اعتصابات و اعتراضات کارگری و نارضایتی توده ای است. بیش از دو هزار اعتصاب در سال گذشته و چند خیزش توده ای، از کشمکش حاد خبر میدهد. طبقه کارگر ایران در قیاس با کشورهای مشابه در وخیم ترین شرایط کاری و زیستی قرار دارد و با ناامنی شغلی و و فلاکت اقتصادی روبرو است. با اینحال جامعه ایران در نبردی تمام نشده با جمهوری اسلامی برای سرنگونی است که طبقه کارگر در محور آن قرار دارد. ما کارگران ایران را به برگزاری گسترده مراسم‌های اول مه، اعلام نظر علیه جنگ دولتهای سرمایه داری، طرح خواسته‌های کلیدی از جمله دستمزد و حقوق مکفی برای همگان، برابری زن و مرد و آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامیخوانیم.

۸- ما با مردم اوکراین و آوارگان و قربانیان جنگ ارتجاعی ابراز همدردی می کنیم بانیان و عاملان این جنگ ارتجاعی و ضد کارگری از آمریکا و روسیه و ناتو و دولت زلنسکی را محکوم و مسئول مشقات این جنگ میدانیم. ما نفرت پراکنی رسانه ها، دامن زدن به راسیسم و نژادپرستی، مجازات جمعی و اعمال خشونت علیه پناهجویان را شرم آور و محکوم می کنیم.

۹- ما با کارگران در روسیه و اوکراین که بار اصلی این جنگ را بدوش می کشند، اعلام همبستگی می کنیم. کارگران در روسیه و اوکراین نباید در صف جنگ طلبان و سوسیال شوونیستها قرار گیرند بلکه اشکال مقابله با جنگ و دولت "خودی" را درپیش بگیرند. ما به اقدامات هم طبقه ای هایمان در یونان و اسپانیا و ایتالیا و بلاروس بر علیه جنگ دولتهای سرمایه داری درود میفرستیم و بر اتحاد کارگران کشورهای مختلف بر علیه جنگ و ایجاد یک صف کارگری انترناسیونالیستی تاکید داریم.

**نه به جنگ، نه به میلیتاریسم!
زنده باد انقلاب کارگری!**

سردبیر.

۱۵ آوریل ۲۰۲۲

فاشیستی، بلکه پاسخی انترناسیونالیستی کارگری است. لذا ضروری است که کارگران کمونیست و پیشرو در اول مه اعلام کنند؛

۱- این جنگ قدرتهای سرمایه داری برای بازتعریف چهارچوبهای جهان قرن بیست و یکم و تعیین جایگاه دولت و قدرتهای جهانی و منطقه ای است. پیروز این نبردها هر دولت یا دولتهائی باشند، بازنده اش کارگران جهان و مشخص تر کارگران و مردم کشورهای درگیر جنگ اند. طبقه کارگر خواهان توقف فوری جنگ است. این سیاست اما تنها با عمل اعتصابی و اعتراضی ممکن است که فی الحال هم طبقه ای هایمان در ایتالیا و اسپانیا و یونان آنرا آغاز کرده اند.

۲- آمریکا و ناتو خواهان یک جنگ طولانی است. روسیه و پوتین، امروز و در این جنگ مشخص، منافع شان در پیروزی سریع است. منافع کارگران تغییر نتیجه جنگ بر علیه هر دو سو است. از تلاش مبارزاتی و اعتراض و اعتصاب برای توقف جنگ تا سرنگونی دولتهای جنگ طلب و درگیر جنگ، پاسخ کارگران در مقابل جنگ امپریالیستی است.

۳- "جنبش ضد جنگ" کنونی جنگ طلب و طرفدار یک سوی جنگ و رقابت امپریالیستی است. سانسور و اعمال فشار نیز شهروندان ناراضی جهان را خانه نشین کرده است. یک سیاست انقلابی و کارگری بر علیه جنگ، جنبش واقعی ضد جنگ را نیز احیا می کند. در اول مه بر نیاز ایجاد یک صف بین المللی کارگری علیه جنگ دولتهای سرمایه داری تاکید کنیم.

۴- تبلیغات ضد کمونیستی یک رکن تبلیغات جنگی از هر دو سو است. کمپ پرو ناتو و کمپ پرو روسیه، هر دو و هر کدام بنوعی، علیه آرمان کارگری و کمونیسم بعنوان یک جنبش واقعی کارگران تعرض می کنند، سانسور می کنند و تبلیغات گوبلزی راه انداخته اند. این سیاست امروز برای تحمیل عقب نشینی به طبقه کارگر و گذاشتن هزینه انسانی و سیاسی و اقتصادی جنگ روی دوش کارگران و فردا برای مقابله با هر سیاست انقلابی برای خاتمه جنگ است. از موضع منافع طبقه کارگر، دولتهای سرمایه داری از آمریکا و اروپا و ناتو تا روسیه و چین و مونتلفین، دشمنان طبقه کارگر و بشریت اند. بگذارید بورژوازی هار و رسانه ها و مفسران انگلوفیل و روسوفیل بر علیه کمونیسم بتازند و از کمونیسم تبری بجویند، این بیانگر وحشت بورژوازی از کمونیسم و پتانسیل عظیم اعتراض ضد کاپیتالیستی است.

۵- ناسیونالیسم و فاشیسم به پرچم سیاسی و تبلیغاتی طرفین جنگ بدل

مرگ بر جمهوری اسلامی!



پروپاگاندا آنها محور بحران اوکراین را ادعای "دفاع از حقوق مردم اوکراین و حمایت از معترضین میدان استقلال" توسط غرب و یا دفاع روسیه از "روسی زبانهای کریمه و استقلال آنها" تشکیل نمیدهد. حتی منازعات اقتصادی و سیاسی و مرزی و دیپلماتیکی که در بین دولتهای روسیه و اوکراین وجود دارد و گویا لاینحل باقی مانده باشد، محور اصلی

این جدال نیست. این ادعاها ماتریال تبلیغی و تبعات فرعی صف آرایی قدرتهای جهانی در مقابل هم از کانال بحران اوکراین است. تحولات اوکراین، به بحرانی در ابعاد جهانی تبدیل شده که مهر سهم خواهی قدرتهای بزرگ جهان معاصر را در تعیین منطقه نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در دنیای بعد از فروپاشی بلوک شرق و در جهان بدون تعادل کنونی برخورد دارد. کشمکش در جغرافیای اوکراین در جریان است، اما بازیگران اصلی دو سوی این بحران، از یک سو آمریکا و غرب و از سوی دیگر روسیه برسر معادلات بنیادی تری در ابعاد جهانی در مقابل هم صف کشیده اند. نزاع کنونی در اوکراین گوشه ای از این جدال بنیادی است. براین اساس به طور مشخص صورت مسئله اینست که اوکراین به حوزه اقتصادی سیاسی غرب و اتحادیه اروپا چرخش قطعی میکند یا در حوزه اقتصادی سیاسی روسیه باقی میماند. این دو افق و دو تصویر متفاوت قدرتهای جهانی است که در مقابل بورژوازی اوکراین و جامعه اوکراین قرار داده اند و به تاثیر از آن بورژوازی اوکراین و هیئت حاکمه بورژوازی در آنجا به دو جناح عمده پروغربی و پروروسی تقسیم شده اند و از سال ۲۰۰۴ آشکارا در مقابل هم صف آرایی کرده و به قیمت پایمال کردن حقوق مردم ناراضی و رنج و محرومیت وسیع شهروندان آن کشور قدرت سیاسی در میان آنها دست به دست شده است. در رابطه با فاکتورهای مورد اشاره اجازه بدهید توضیحات بیشتری بدهم.

کشمکش کنونی غرب و روسیه ریشه در منازعات قدرتهای جهانی بعد از فروپاشی شرق و پایان جهان دو قطبی دارد. بعد از فروپاشی بلوک شرق، آمریکا با اتکا به حمایت اتحادیه اروپا برای تثبیت و تحمیل رهبری خود بر جهان معاصر خیز برداشت. فروپاشی اتحاد شوروی و شیفت خود روسیه و همه جمهوریهایی بازمانده از شوروی سابق به اقتصاد بازار و الگوی اقتصادی و سیستم دموکراسی پارلمانی شبیه به غرب و پیوستن تعدادی از آنها به اتحادیه اروپا، دولت آمریکا را در این مسیر پیشرو سوسه کرد. بحران خلیج در سال ۱۹۹۱ و قلدری نظامی آمریکا در آن، بحران و جنگ در بالکان با دخالت ناتو و نقش محوری آمریکا، یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال جنگ در افغانستان و عراق به رهبری آمریکا، همه اپیزودهای سلسله اقدامات و قلدری نظامی آمریکا برای تثبیت "نظم نوین جهانی" مورد نظرش در جهان معاصر و ایجاد جهان تک قطبی بود. اما آمریکا و غرب با موانع جدی روبرو شدند. بسیار زود ناکامیهای آمریکا در همین منازعات و جنگهایی که درگیر شد، خود را نشان داد. بحران اقتصادی که از سال ۲۰۰۸ از خود آمریکا شروع شد، باعث کاهش بیشتر قدرت اقتصادی آمریکا در

تحولات ۲۰۱۴ اوکراین

مقدمه ای بر جنگ فاجعه بار کنونی

رحمان حسین زاده

جنگ ارتجاعی و فاجعه بار تاکنونی در اوکراین فی البداهه رخ نداده است. فروپاشی شوروی و سربرآوردن پانزده جمهوری به اصطلاح مستقل و یکی از مهمترین آنها جمهوری اوکراین، به قدرت رسیدن دولتهای بورژوا ناسیونالیست فاسد پروغربی و یا پروروسی با دستور کار ضد مردمی مشابه یعنی تحمیل استثمار و رنج و تباهی بر طبقه کارگر و مردم این کشورها حاصل این روند بوده است. در اوکراین دست به دست شدن قدرت بین جناح بورژوازی پروغربی، متکی به حمایت امپریالیسم آمریکا و کشورهای اروپایی و ناتو، با جناح بورژوازی پروروسی متکی به حمایت امپریالیسم روسیه و به درجه ای تایید ضمنی چین، در دو دهه اخیر فرایند پر از آزار و تفرقه و ستم و درد و جنگ و ترور و ناامنی و عروج ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم و نهایتاً فاجعه جنگ کنونی علیه طبقه کارگر و مردم روسیه و اوکراین را به بار آورده است. جنگ ضد انسانی کنونی در جغرافیای اوکراین تداوم جدال و رقابت فزاینده قطب های اصلی امپریالیسم و کاپیتالیسم جهان معاصر، از یک سو آمریکا برای اعاده موقعیت "هژمونیک" در معادلات جهانی و جبران ناکامیهای تاکنونی در تحمیل "نظم نوین جهانی اش" و از سوی دیگر قد علم کردن مجدد امپریالیسم روسیه با همراهی چین در مقابل طرح و نقشه های آمریکا و اتحادیه اروپا و ناتو در صف بندیهای سرمایه داری معاصر است. جدال و کشمکشی که از هر دو طرف تماماً علیه منافع طبقه کارگر و مردم است. ما از این منظر تحولات سه دهه اخیر در اوکراین و مشخصاً تحولات سال ۲۰۱۴ را که پیش درآمد جنگ فاجعه بار کنونی است، توضیح دادیم. مصاحبه کوتاه زیر در سال ۲۰۱۴ با نشریه کمونست در مورد ماهیت رویدادهای موسوم به "میدان" گویای پاسخ درست و منسجم ما در مورد تحولات قبلی و پیش زمینه های جنگ جاری در اوکراین است. این مصاحبه اخیراً و بعد از هشت سال توسط فیسبوک مجدداً بازتکثیر شده بود، که علاقمندان را به مطالعه آن فرامیخوانم.

درباره تحولات اوکراین!

کمونست ماهانه: تحلیل شما از تحولات در اوکراین چیست؟ در متن این تحولات کدام سنوالات و کشمکشها تعیین تکلیف میشود؟

رحمان حسین زاده: بدواً لازمست ماهیت و ابعاد تحولات جاری در اوکراین را معنی کنیم. تصویری که دو طرف اصلی درگیر در این ماجرا یعنی از یک سو آمریکا و اتحادیه اروپا و از سوی دیگر روسیه، و رسانه های نان به نرخ روز خور طرفدار هر دو طرف ارائه میدهند، به شدت وارونه، ضد حقیقت و گمراه کننده بود و هست. برخلاف

تحولات ۲۰۱۴ اوکراین

مقدمه ای بر جنگ فاجعه بار کنونی ...

دخالته و حمایت مستقیم غرب فعلا قدرت را در دست گرفته اند. این دو بخش بورژوازی فاسد، افق و تصویر و آلترناتیو خود را متاسفانه بر تحولات جامعه اوکراین و اعتراض و نفرت کارگران و مردم آنجا حاکم کرده اند. راه حل و آلترناتیو هر دو جریان و حامیان جهانی شان چیزی جز تحمیل فساد و رنج و محنت و فقر و گرانی و ضدیت کامل با منافع و حقوق کارگران و مردم و شهروندان ناراضی اوکراین نیست. طبقه کارگر و مردم اوکراین در چنبره ارتجاع محلی و جهانی گیر افتاده اند. تنها راه پایان دادن به این دور باطل و یکه تازی جناحهای مختلف بورژوازی در صحنه سیاست اوکراین و راه نجات طبقه کارگر و مردم به میدان آمدن آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر در اوکراین و پایان دادن به سیادت بورژوازی در آن کشور است. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه اوکراین ظرفیت تحقق چنین آلترناتیوی را دارند و تجارب خوبی از دوران لنین و تحقق انقلاب کارگری و سوسیالیستی در کشورشان را بیاد دارند. بی دلیل نیست کارگران خارکف و بسیاری جاها اینروزها در مقابل تعرض اوباشان فاشیست به قدرت رسیده در اوکراین باریگاد دفاع از مجسمه های لنین را ایجاد کردند.

سطح جهانی شد. بعلاوه با زور آزمایی جدی رقیبان قدرتمند در منازعات اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک جهانی روبرو شد. مجموعه اینها رویای "نظم نوین جهانی" مور نظر آمریکا را باطل ساخت. بسیار زود معلوم شد جهان تک قطبی با زعامت غرب و رهبری آمریکا توهمی پوچ بیش نیست. معلوم شد جهان معاصر عرصه زور آزمایی و صف بندیهای قدرت های جهانی برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ هر کدام و ترسیم آینده هنوز تعیین تکلیف نشده قطعی آن است. به طور برجسته از یک طرف چین با قدرت اقتصادی عظیم و روبه رشد و تاثیرگذار در همه دنیا و از طرف دیگر روسیه ای که نفاهت اقتصادی و سیاسی بعد از فروپاشی شوروی را پشت سر گذاشته و با احیای قدرت سیاسی و نظامی به صحنه برگشته، هژمونی طلبی آمریکا و غرب را به چالش کشیده اند. بر این بستر قدرتهای جهانی بر سر شکل دادن به حوزه های نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در جدال و کشمکشند. آثار این کشمکش را بر عمده تحولات دنیای کنونی و از جمله در همه کانونهای بحرانی قابل اعتنای جهانی در دوره معاصر و مشخصا در همین تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا و سوریه و اکنون اوکراین شاهدیم. در نتیجه کشور اوکراین به یکی از صحنه های حساس صف آرای قدرتهای جهانی در پروژه موسوم به تقسیم مجدد جهان و تعیین تکلیف اختلافات بنیادی تر میان این قدرتها تبدیل شده است.

به طور کنکرت در اوکراین آمریکا و اروپا به دنبال آن هستند که این کشور را از حوزه نفوذ اقتصادی و سیاسی سنتی روسیه بیرون بکشند و مانند بعضی کشورهای دیگر بلوک شرق سابق، لهستان و ... به حوزه نفوذ اقتصادی و سیاسی غرب درآورند. اما این خط قرمز روسیه است. روسیه نمیتواند در همسایگی خود شاهد از دست دادن قدرت و نفوذ تاکنونی خود در اوکراین و قرار گرفتن آن تحت سیطره اقتصادی و سیاسی و چه بسا بعدا نظامی (احتمال پیوستن به ناتو) اوکراین به غرب باشد. تلاشها و جدالهای دو طرف در اوکراین انعکاس این واقعیت اساسی است. اقدامات روسیه در اوکراین و از ملحق کردن کریمه به خود و اعمال فشار اقتصادی و سیاسی و تهدیدات نظامی برخلاف ظاهر آن و پروپاگاندا کشورهای غربی، نشانه تعرض روسیه نیست، بلکه اقدامات دفاعی در مقابل گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی غرب در مناطق نفوذ سنتی خود است.

بر اساس این روند پایه ای بورژوازی اوکراین و هیئت حاکمه بورژوایی آن به دو بخش پروغربی و پروروسی تقسیم شده است. صف آرای آنها به طور آشکار و خصمانه در سال ۲۰۰۴ و در پدیده موسوم به "انقلاب نارنجی" خود را نشان داد. آنوقت جناح پروغربی به قدرت رسید و تا سال ۲۰۱۰ قدرت را در دست داشت. در انتخابات سال ۲۰۱۰ این بار جناح پروروسی تا اتفاقات اخیر قدرت را در دست گرفت. بعد از تحولات اخیر بار دیگر جناح پروغربی بورژوازی اوکراین و ملقمه ای از نیروهای ارتجاعی ناسیونالیست اوکراین و فاشیستهای آن کشور، با



به حزب کمونیست کارگری - حکمتیت

کمک مالی کنید!

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

رسانه ها و سیاست

بخش اول

نادر شریفی

حقیقت آن است که فردا در روزنامه نوشته شده باشد! آکسلاشپرینگر (۱۹۱۲-۱۹۸۵).

بفکر تصاویر باشید، من بفکر جنگم. ویلیام راندولفهرست (۱۸۶۳-۱۹۵۱).

در سیاست و مدیای غربی، ایالات متحده آمریکا بعنوان ضامن دموکراسی و اتحاد ارزشمندی شناسانده می شود که در پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو خود را متبلور میکند. برای همین "پیروزی بایدن" در انتخابات قبلی ایالات متحده آمریکا، او و جانشین زن سیاه پوست او، کامالا هریس در روزنامه ها و نشریات آلمانی بعنوان "امید دموکراسی" در صفحات اول روزنامه ها و نشریات به نمایش گذاشته شدند. برای مدیای غرب در اروپا، ترامپ آن انتخاب اشتباه در دموکراسی، آن رهبر غیر قابل پیش بینی، آن آنتی کریست، آن "آمریکا اولی" بود که با کمال خوشبختی توسط خود آمریکائی ها به کنار گذاشته شد و آمریکا را دوباره به جایگاه قبلی خود، آمریکای غیر قابل تعویض و برای نظم جهانی سرمایه پیروز، ضروری بازگرداند.

اما تصویر مدافع و قسم خورده آزادی (البته آزادی سرمایه) یک روی سکه سیاست ایالات متحده آمریکا از آغاز تولد این قدرت جهانی بوده است. روی آن طرف این مدال، چه در دوران جنگ سرد و چه پس از آن، تحکیم هژمونی آمریکا با وحشیانه ترین روشها بوده و همچنان باقی خواهد ماند.

روشن است ایالات متحده آمریکا، آن هژمون از خود گذشته برای دفاع از "آزادی و تمدن غربی" نیست که در پی نفوذ و تسلط خود بر دیگر حکومتها و ملتها حتی با توسل به اعمال زور و جنگ نباشد. آنجا که اعمال محرومیت اقتصادی، حمله نظامی، راه اندازی کودتا و ... برای تسلط ایالات متحده آمریکا و آقائی او لازم باشد، اصولاً فرقی نمی کند که چه تعداد انسان قربانی سیاست سلطه طلبانه این حکومت شوند. برای همین "امید" مدیای غرب و بخصوص اروپای غربی با شکست آقای ترامپ و بقدرت رسیدن هیئت حاکمه بایدن برای بازگشت به رهبری جهانی نظام سرمایه قابل درک تر است. اما آیا برآستی تنها ترامپ مشکل جهان غرب بود؟ آیا صدمات سنگینی که بوش پسر بنام "مبارزه با ترور" بر جوامع بشری وارد کرد، کمتر از صدماتی بود که هیئت حاکمه ترامپ بر "روابط حسنه" بین آمریکا و اروپا وارد کرده بود؟ و یا اصولاً می توان سؤال کرد که آیا این اوباما و هیئت حاکمه او نبود که "جنگ هواپیماهای بدون سرنشین" یا همان "جنگهای پنهانی" را در سراسر جهان و همزمان در دهها کشور با کشتار عمومی مردم "سنت" کرد؟ تکلیف "جنگهای سایبری" و جاسوسیهای سایبری چه می شود که حتی "دوستان نزدیک" را از استراق سمع آنان میرا نمیکرد؟ همه و

همه اینها کارآمد موثر خود برای حفظ قدرت بلامنزاع ایالات متحده آمریکا با پشتیبانی مشت محکم ناتو و حداقل احیای دوباره آن را با شکست روبرو کرده اند. ولی با این وجود دور از انتظار خواهد بود که پرزیدنت بایدن برای بازیابی هژمونی و ابر قدرتی دوباره آمریکا در مقابل رقبای امروز خود روسیه و هر روزه بیشتر چین، از جنگ افزارهای نظامی برتر، جنگهای

سایبری، جاسوسی سایبری، اعمال تحریمهای اقتصادی و ... صرف نظر کرده، جهان چند قطبی را پذیرفته و در نتیجه بدنبال تنش زدائی در جهان امروز و بطور مشخص بحران و جنگ در اوکراین بیفتند.

اما آن چیز که به انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا برمیگردد، اولاً پیروزی "دموکراتها" بر جمهوریخواهان یک پیروزی قطعی نبود، چرا که شاید دونالد ترامپ به گذشته تعلق داشته باشد، ولی سیاست "اول آمریکا" این سرنوشت را پیدا نکرده است! دوماً برای هیئت حاکمه اروپای غربی این امیدواری که در انتخابات آینده و به همت جناحهای راست هیئت حاکمه آمریکا، یک مسیحی و یا یک ناسیونالیست افراطی دیگر، بعنوان مثال، وارد کاخ سفید نشود، تضمینی وجود ندارد. شاید حمایت بی دریغ امروز اروپا برای به شکست کشاندن روسیه، در صف عضویت ناتو قرار گرفتن، اجرای تحریم نفت و گاز و زغال سنگ روسیه و بی چون و چرا سیاستهای جنگ افروزانه ایالات متحده آمریکا را اطاعت کردن در همین راستا باشد.

اما جهان پیروز سرمایه چه بپذیرد و یا نپذیرد، هرچند که آمریکا همچنان یک قدرت جهانی است ولی مدتها است که مقام "بلامنزاع" خود را از دست داده است و خود در حال تدارک پیمانهای جدیدی با قدرتهای اقتصادی نوینی خارج از قلمرو پیمان آتلانتیک شمالی و محدوده اروپای غربی است. چین شاید آن کاندید قدرت جهانی در آینده نزدیک باشد که جهان غرب و بخصوص اروپائی ها بایستی برای مقابله با او و با همکاری با او خود را آماده کنند و این خارج از اراده دلبخواهی حافظان سرمایه در اروپای غربی است.

روشن است در طول تاریخ بشری، امپراتوری های فراوانی طلوع و دیگر بار غروب کرده اند. نقطه مشترک همه این قدرتها از یک طرف سرکوب خونین زحمتکشان، دیگر سهم خواهان و با عروج جهان سرمایه، استثمار جهانی طبقه کارگر و از طرف دیگر حفظ هژمونی قدرت و افزایش ثروت برای خود بوده است. عدالت، برابری، رفاه، سعادت، حق زندگی و معیشت برای زحمتکشان و تولیدکنندگان واقعی جوامع انسانی هیچگاه معنا نداشته است و تنها افراد خاصی متعلق به طبقه خاصی از این "موهبات" استفاده برده اند.

اما حکومتگران برای ادامه و حفظ حکومت خود همیشه احتیاج مبرمی در تاثیرگذاری به روی افکار عمومی و دستکاری کردن

جلسه دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برگزار شد

دستور بعدی تدارک سیاسی و اجرایی برگزاری نشست کمیته مرکزی، پلنوم ۴۴ حزب بود. دستور جلسه پیشنهادی دفتر سیاسی تعیین و نکات ضروری سیاسی و اجرایی از جمله دعوت کادرهای حزب تاکید و تصمیمات مقتضی در مورد برگزاری پلنوم اتخاذ شد.

مبحث بعدی در باره جنگ اوکراین و پیامدها و نحوه برخورد به آن بود. در این بحث که بصورت پانل برگزار شد، رفقا حسین مرادیگی (حما سور)، رحمان حسین زاده و سیاوش دانشور بحث را ارائه کردند و در ادامه رفقای دفتر سیاسی در مورد مسائل مطرح شده و ارزیابی شان از سیاست حزب اظهار نظر و دخالت کردند. جلسه دفتر سیاسی با موضع و جهت گیری حزب در برخورد به این جنگ ارتجاعی توافق داشت. در عین حال در تبیین علل جنگ و پیامدهایش موارد مشخصی از تفاوت نظر در مورد ماهیت و دلایل جنگ، شیوه برخورد به آن وجود داشت.

در دستور اوضاع سیاسی ایران که بحثی برای همفکری و بررسی آخرین مؤلفه ها بود، از جمله برسر توافق جدید برجام و روش برخورد حزب بحث شد. بر موضع درست تاکتونی حزب به این مسئله تاکید و بر نکات ضروری دیگری در دوره پیش رو تاکید کرد.

دستور آخر جلسه دفتر سیاسی انتخابات بود. ابتدا سیاوش دانشور به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. سپس در انتخابات اعضای هیئت اجرایی رفقا رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، صالح سرداری، پروین کابلی و سعید یگانه به عنوان اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب شدند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۵ فروردین ۱۴۰۱ - ۱۵ آوریل ۲۰۲۲

روزهای شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ آوریل ۲۰۲۲ برابر با ۲۰ و ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ جلسه دو ماهه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی برگزار شد. دبیران کمیته خارج کشور و ستاد تبلیغات حزب نیز به نشست دفتر سیاسی دعوت شده بودند.

دستور جلسه مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش و ارزیابی ۲- تدارک سیاسی و اجرایی پلنوم ۴۴ حزب، ۳- جنگ در اوکراین و پیامدها ۴- اوضاع سیاسی ایران ۵- قرار و قطعنامه ۶- انتخابات.

در بحث گزارش سیاستها و اقدامات دوماه و نیم گذشته حزب، سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، صالح سرداری، نادر شریفی به ترتیب رئیس دفتر سیاسی و دبیران کمیته های سازمانده، کردستان و خارج، مسئولین مالی، تبلیغات و تلویزیون رفقا ملکه عزتی، پروین کابلی، اسماعیل ویسی و سیوان کریمی، گزارش کار ارگان و حوزه فعالیت شان را به جلسه دفتر سیاسی ارائه کردند. نشست دفتر سیاسی در موضوعات کلیدی مورد توجه حزب و اقدامات و سیاستهای اتخاذ شده بحث کرد و نقاط قوت و ضعف را مورد بررسی قرار داد. در این جلسه عادی شدن کامل فعالیت حزب و پشت سر گذاشتن دوران کرونا اعلام و بر پیگیری جدی مصوبات و پروژه های حزب تاکید شد. ارزیابی دفتر سیاسی از اقدامات و سیاستهای حزب بویژه در دو ماه گذشته مثبت و بر گسترش حضور و دخالت سیاسی در قلمروهای مختلف متناسب با نیازهای دوره جدید تاکید کرد.

رسانه ها و سیاست ...

حقایق و واقعیات داشته و دارند. این امر تنها برای حکومت‌های سرکوبگر و ابتدائی جوامع اولیه بشری صادق نیست. جوامع مدرن غربی و حتی باصطلاح دموکراتیک نیز از این قاعده مجزا نیستند. در جهان امروز تبلیغات و افکار سازی که توسط رسانه های جهانی ساخته و هدایت می شوند، برای حفظ نظامهای حاکم غیر قابل چشم پوشی اند.

ادامه دارد...

۱۵ آوریل ۲۰۲۲



برابری و رفع تبعیض همین امروز!

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



بمناسبت اول ماه مه ۲۰۲۲ (۱۱ اردیبهشت)

روز جهانی کارگر

کارگران جهان در شرایطی به استقبال اول ماه مه میروند که هنوز از زیر فشار سیاست‌های اعمال ریاضت اقتصادی و پیامدهای دهشتناک پاندمی کرونا، کمر راست نکرده اند که دولتهای سرمایه داری بار دیگر جهان را وارد جنگ و دورانی پرمخاطره و سرنوشت ساز کرده اند.

در شرایط کنونی سرمایه داری جهانی بیشتر از هر دورانی درگیر بحران ساختاری اقتصادی و رقابت و جنگ و ناامنی، در سراسر جهان است. در نتیجه این شرایط طبقه کارگر جهانی و بشریت محروم در سراسر کره زمین، فقر و فلاکت و بیکاری بیشتر را تجربه می‌کند و با تنگناهای اقتصادی و کشتار و بی‌خانمانی و گرسنگی و مشقات فراوانی روبرو می‌باشند. سرمایه داری بنا به ماهیت‌اش برای عبور از بحران و رونق مجدد بازار سود و سرمایه با پیش‌برد سیاست‌های ریاضت اقتصادی تلاش می‌کند بار این بحران را بردوش طبقه کارگر و زحمتکشان قرار دهد. با شروع پاندمی کرونا و اکنون جنگ در اوکراین، این شرایط تشدید شده و هزینه جنگ، میلیتاریسم، بحران اقتصادی و گرانی فزاینده هزینه‌های زندگی را باید نیروی کار و زحمت بپردازند.

این یک جنگ امپریالیستی و ارتجاعی است که همه سویه‌های درگیر در آن دنبال منافع خود هستند. هم‌اکنون دولت‌ها و سیاستمداران بورژوا، با تهدید و استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی و اتمی، نفس‌ها را در سینه مردم جهان حبس کرده‌اند. اگر یک هدف اساسی این جنگ، بازتعریف نظم جدید جهانی و تعیین جایگاه و حوزه نفوذ قدرتهای سرمایه داری و میلیتاریزه کردن جهان است، هدف دیگر آن تحمیل عقب‌گردهای گسترده به طبقه کارگر و دستاوردهای جوامع بشری است. سیاست شرکت در جنگ و حمایت از یکی از بلوکها و دولت‌های درگیر، سیاستی سوسیال شوونیستی و ناسیونالیستی است. هریک از طرفین درگیر در این جنگ پیروز شوند، بازنده‌اش، کارگران جهان و مشخص‌تر کارگران و مردم کشورهای درگیر جنگ هستند. طبقه کارگر خواهان توقف فوری جنگ است. این سیاست اما تنها با عمل اعتصابی و اعتراضی ممکن است که فی الحال هم طبقه‌های ما در ایتالیا و اسپانیا و یونان و بلاروس با واکنش‌های اعتراضی خود علیه جنگ آغاز کرده‌اند. بی تردید تغییر این شرایط نیازمند پاسخ طبقاتی و گسترش اعتراضات انترناسیونالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان منطقه و جهان است.

طبقه کارگر ایران به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رود که در قیاس با کشورهای مشابه

در بدترین شرایط زیستی و معیشتی قرار دارد و با ناامنی شغلی، بیکاری وسیع و تورم افسار گسیخته، و فقر و فلاکت اقتصادی روبرو

است. با این حال مبارزات کارگری در برابر این وضعیت، پیوسته گسترش می‌یابد. بیش از دوهزار اعتصاب و اعتراض تنها در سال گذشته، نمادی از مقاومت کارگران در برابر این شرایط است. مبارزه کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، اعتراضات پرستاران، مبارزه بی وقفه کارگران هفت تپه و فولاد و نیز اعتراضات فزاینده و سراسری معلمان و دانش‌آموزان که با حضور گسترده زنان همراه بوده، نمونه‌هایی هستند از روند گسترش یابنده مبارزات کارگری. برآمد چندین خیزش بزرگ توده‌ای طی سال‌ها و ماه‌های گذشته، همانند خیزش‌های دی ماه و آبان و اعتراضات تهیدستان در خوزستان و کشاورزان اصفهان و نیز گسترش و تداوم مبارزات کارگران، نشان دهنده امکان گشایش‌های بزرگ سیاسی در جامعه ایران است. این امر تنها در صورتی امید بخش است که طبقه کارگر در مرکز این تحولات قرار گرفته و زمینه‌ساز تحقق آزادی و سوسیالیسم و پایان دادن به تبعیض و نابرابری و استثمار باشد.

در اول ماه مه امسال، طبقه کارگر و مردم تحت ستم، تبعیض و استثمار در ایران و کشورهای مختلف، باید علیه نظام و حکومت‌های سرمایه داری به میدان بیایند، ادعای انقلابی خود را علیه نظم ویرانگر کنونی اعلام کنند، با صدای بلند علیه جنگ امپریالیستی و اهداف ارتجاعی آن حرف بزنند و پرچمدار واقعی توقف فوری جنگ شوند. همچنین ضروری است که سازمانها، نهادها و اتحادیه‌های کارگری با طرح شعار "قطع بیدرنگ جنگ"، "علیه جنگ سرمایه داران، علیه میلیتاریسم"، اکثریت مردم مخالف جنگ را به میدان بیاوردند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن تبریک اول ماه مه به همه کارگران و آزادیخواهان جهان، کارگران ایران را به برگزاری گسترده مراسم‌های اول مه، اعلام تنفر از جنگ امپریالیستی، افشاء ماهیت ارتجاعی جنگ سرمایه داران، طرح خواسته‌های کلیدی از جمله دستمزد و حقوق پایه متناسب با یک زندگی انسانی، تشکل‌های مستقل و خودگردان کارگری، تحقق آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک برای همگان، رهایی زنان از قید و بندهای پدر/مردسالاری و آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامی‌خواند.

کارگران جهان متحد شوید!

نه به جنگ امپریالیستی، نه به میلیتاریسم!

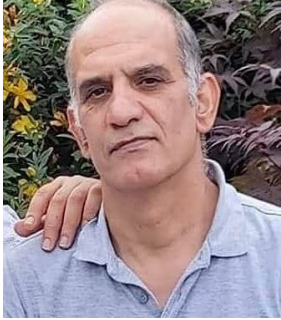
زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۱۱ آوریل ۲۰۲۲ / ۲۲ فروردین ۱۴۰۱

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



خوانین نخواهد شد. لیکن به همین سیاق دفاع از دموکراسی نیابتی وقتی بشر به نظام شورایی و مکانیسم دخالت مستقیم دست یافته است گامی به عقب و لاجرم ارتجاع محض است.

ایراد دیگر به چپ ها به زعم جناب توکلی این است که ظاهراً چپ برای تولید ثروت و نعمات مادی برنامه ای ندارد. عجب! کیست که نداند

اساساً کمونیزم با نقد شیوه تولید سرمایه داری عرض اندام و ابراز وجود کرده است. ما کمونیست ها قبول نداریم دارایی و ثروت جامعه از قبیل کارخانه ها، معادن و کلیه مراکز تولیدی ذیل عنوان سرمایه تعریف شده، سپس اینها را مایملک سرمایه دار دانسته و به این ترتیب محصول تولید یعنی ثمره کار و کوشش تولیدکنندگان واقعی را یکجا به این بیکاره ها و انگل های اجتماع تحویل دهند. عادلانه ترین مکانیسم توزیع در شیوه تولید سرمایه داری همچنان ناعادلانه است چرا که استثمارگران بی آنکه نقشی در تولید داشته باشند صاحبان محصول و تصمیم گیرنده اصلی در باب نحوه توزیع نعمات مادی هستند. همین انگل ها هر ساله برای کارگران حداقل دستمزد و خط فقر تعیین می کنند در حالی که سودهای نجومی خودشان سقف ندارد و حد و مرز نمی شناسد. به این اعتبار عجیب نیست وقتی اسماعیل بخشی برای مثال از اداره هفت تپه و هورالعظیم توسط تشکل های شورایی در محل زیست و کار حرف می زند ناگهان خشم امثال اسدیگی و استنادار خوزستان را موجب می شود اما مظهر شرف جنبش دانشجویی چرا؟! آیا مجید توکلی و دوستان نیز با خطرناک خواندن گرایش شورایی دغدغه سود و ثروت سرمایه داران را دارند؟! وانگهی آیا اطلاق خطرناک به گرایش شورایی استفاده از ادبیات سرکوبگران نیست؟

نکته دیگر اینکه مجید توکلی می گوید چپ ها نقدناپذیر هستند و اسماعیل چه خوب پاسخ می دهد که به جز چپ کدام گروه دست راستی را سراغ دارید اینقدر به خودشان نقد داشته باشند. به گفته اسماعیل نقد اساساً یکی از اصول اساسی و هویتی چپ جامعه است. در عین حال اسماعیل تأکید می کند این درجه از نقد به خود توسط چپ مضر به حال روحیه همبستگی است و معتقد است چپ تحت عنوان نقد، بیش از حد به خود آسیب زده است. فرج سرکوهی کسی که جلسه بحث و گفتگو به همت او ترتیب داده شده در تکمیل سخنان اسماعیل می گوید من خود را چپ می دانم و صرف تشکیل این جلسه یعنی ما همواره به هر نقدی توجه داشته و در حد توان و مقدرات پاسخگو بوده ایم.

نقد دیگر به چپ اتهام "مسئله" ساختن صنعتی و اقلیت گرایی توسط چپ است. توکلی می گوید برای حکومت تمامیت خواه ایران عرب و ترک و فارس و لر تفاوتی ندارد و همه را به یکسان تحت ظلم و ستم قرار می دهد. کتمان و تکذیب ستم ملی تنها از یک ناسیونالیست دو آتشه و یک شوونیست فاشیست برمی آید و بس. اسماعیل بخشی نه با تحلیل و نظریه پردازی که با ارجاع به فاکت واقعی و زنده خلاف این را ثابت می کند. او می گوید مرا در زندان با سیلی و مشت و لگد می زدند

صفحه ۹

چپ شورایی در بوته نقد یا هجوم

به بهانه مناظره اسماعیل بخشی و مجید توکلی در کلاب هاوس

جاوید حکیمی

دموکراسی را حکومت مردم بر مردم تعریف کرده اند با این همه کافی است شما زنده باد شورا بگویید تا تمام لیبرال دموکرات های جهان علیه تان بسیج شوند. چه شده است؟ مگر اداره شورایی در تضاد با حکومت توده هاست؟ مگر شوراها مترقی ترین و عالی ترین دستاورد بشر برای دخالت وسیع و مستمر مردم در سرنوشت خودشان نیست؟ نکند دامنه شمول مردم در تعریف دموکرات ها محدود به جماعت از ما بهتران است و کارگران و زحمتکشان و بطور کلی توده ها را دربر نمی گیرد؟ این چه حکمتی است که لیبرال ها مدام مردم مردم می کنند لیکن دخالت مستقیم مردم در سیاست سهل است حتی ابراز وجود آنان را هم تحمل نمی کنند!

آقای مجید توکلی که به اعتبار سالها اعتراض و مبارزه در جنبش دانشجویی، خود را "شرف جنبش دانشجویی" می داند اخیراً در رشته توییت هایی، چپ ها و به ویژه چپ مدافع شوراها را به تیغ تیز نقد سپرده است. محورهای نقد ایشان به چپ عبارتند از نگرانی بابت دست بالا پیدا کردن گرایش چپ شورایی در دانشگاه و رسانه به مثابه مستبدترین نحله چپ، فقدان برنامه در زمینه تولید نزد چپ ها و تأکید صرف بر توزیع، اقلیت گرایی و اختراع ستم ملی برای ایجاد شکاف و تضاد صنعتی پس از آنچه ایشان انحلال طبقه و منتفی شدن مبارزه طبقاتی می نامد، ترجمه گرایی صرف و دست آخر نقدناپذیر بودن چپ ها.

پرواضح بود استبدادی خواندن اداره شورایی نمی توانست واکنش شورایی ترین شخصیت کارگری ایران را برنیا نگیزد. اسماعیل بخشی کسی که زندگی شورایی را زیباترین حالت زیستن جمعی می داند و برای چنین زیستنی تاوان گزافی پرداخته است با تعجب می پرسد: دوست عزیز جناب توکلی، ممکن است توضیح دهید اداره شورایی امور محل زیست و کار چگونه به دیکتاتوری می انجامد؟ و آقای توکلی در مقام پاسخگویی اشاره به تجربه کشور شوروی سابق را کافی می داند؛ همین. از قرار معلوم ظهور جانورانی نظیر هیتلر، موسولینی، نیکسون، بوش و ترامپ و دهها دیکتاتور خون اشام دیگر از دل دموکراسی پارلمانی خدشه ای به این ساختار سیاسی بورژوایی وارد نمی آورد لیکن شکست انقلاب کارگری در شوروی سابق برای بسته شدن پرونده سیستم شورایی کفایت می کند. این تمام وجدان علمی کسی است که خود را شرف جنبش دانشجویی می داند. چه قرابت عجیبی است میان شرف جنبش دانشجویی و احمد زیدآبادی شرف اهل قلم. بی گمان دموکراسی پارلمانی در قیاس با حکومت های مستبد و قرون وسطایی قابل دفاع و موجه است حتی اگر خروجی آن گاهی رای به جنگ و اخراج پناهندگان باشد. هیچکس به خاطر عروج راست افراطی در جمهوری فرانسه خواهان بازگشت به حکومت اشراف و

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

چپ شورایی در بوته نقد یا هجوم

به بهانه مناظره اسماعیل بخشی و مجید توکلی در کلاب هاوس...

در حالی جلوی چشم خودم دیگری را روی تخت شکنجه می بستند و سخت آزار می دادند فقط برای آنکه او عرب بود. عجباً مجید توکلی این مدعی برابری انسان ها نه با تحلیل دیگران و نه با فاکت های تکان دهنده و تأثر انگیز اسماعیل بخشی مجاب نمی شود. او در ادامه بحث همچنان اصرار می ورزد پدیده ای به اسم ستم ملی وجود دارد و آن را اختراع ذهنی چپ و به زیان وحدت ملی ایران عزیز می داند.

شگفت انگیز آنکه مجید توکلی پس از این همه راست روی و چپ ستیزی، ناگهان رادیکال می شود و اعتراضات موجود را تحت عنوان مخالفت مجاز به سخره می گیرد و تحقیر می کند. او می گوید مبارزات کلیه اقشار اجتماعی از معلمان و دانش آموزان گرفته تا دانشجویان و بازنشستگان و حتی همین کارگران هفت تپه که این همه در خصوص آن بزرگنمایی شده، جملگی در چارچوب مخالفت مجاز بوده و محدود به مطالبات صنفی و درونی است. اینجا هم اسماعیل بخشی با ارجاع به دهها فاکت و سند ثابت می کند که هیچ مبارزه ای در چارچوب صنفی نبوده و اساساً تحت شرایط فعلی چیزی به نام مبارزه صنفی صرف محلی از اعراب ندارد. اسماعیل بخشی می گوید آیا کارگران خواست رایگان بودن واکسن کرونا را اعلام نکردند و آیا این مطالبه درون صنفی بود؟ مخالف با طرح صیانت و محدودیت اینترنت، دفاع از مبارزات مردم خوزستان، مخالفت با پروژه کلان خصوصی سازی و ...

نقدها همانطور که ملاحظه می کنید چنان تهی از پایه های عقل و منطق بودند که بطنان آنها بی هیچ نیازی به کوشش فکری جدی و صرفاً با استناد به فاکت ها قابل اثبات هستند. حقیقت این است بورژوازی جهانی بطور اعم و بورژوازی اسلامی بطور اخص چنان به ورطه انحطاط فکری و اخلاقی رسیده است که عملاً نقد به چپ جامعه به چنین درجه ای از بی مایگی و ابتذال درآمده است. با این همه یک نکته را نباید از نظر دور داشت. این صحیح است که راست جامعه در عرصه ایدئولوژیک چیزی در چینه ندارد و بیهوده دست و پا می زند لیکن درست به همین دلیل نفرتی عمیق و خصومتی کور نسبت به چپ ها علی الخصوص چپ شورایی در وجودش شعله می کشد. بهوش باشیم؛ نبرد واقعی در خیابان صورت می گیرد و خیابان جای مناظره نیست. چنانکه اسماعیل بخشی به درستی اشاره کرد شورش کور به جایی نمی رسد. بدون تشکل های کارگری اعم از اتحادیه و سندیکا و شورا، بدون یک حزب قوی و دارای پایگاه اجتماعی، پیروزی چپ محال است.

۱۵ آوریل ۲۰۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارناکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهائی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

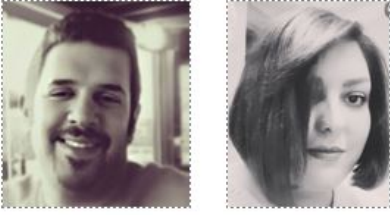
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۲

www.hekmatist.org



نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر با همکاری امیر عسگری

تجمع کارگران کارخانه‌ی کیان‌تایر

تجمعی اعتراضی خود را به این تصمیم نشان دادند. پس از آن و بنا بر اظهارات برخی کارگران، مسئولین مجتمع کشت و صنعت لرستان اسامی ۲۳ نفر متشکل از برخی کارگران معترض که تصویر حضور آنان در تجمعات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، را با عنوان لیست «عدم جذب» به سایر کارگران معرفی کرده‌اند و طی اطلاعیه جداگانه‌ای به آنان هشدار داده‌اند چنانچه ظرف ۲۴ ساعت قرارداد با پیمانکار جدید را امضا نکنند، دیگر امکان حضور در شرکت را نخواهند داشت و در این صورت افراد دیگری جایگزین آنها خواهند شد.

کارگران کارخانه‌ی کیان‌تایر روز یکشنبه ۲۱ فروردین در اعتراض به اعلام تعطیلی شرکت، مقابل نهاد ریاست جمهوری واقع در در خیابان پاستور دست به تجمع اعتراضی زده‌اند. در این تجمع شعارهایی علیه رییس کارخانه داده شده است. تجمع این کارگران با حضور شدید نیروهای انتظامی و امنیتی روبرو شد. به گفته‌ی شاهدان یگان ویژه به تجمع کارگران یورش برد و با خشونت سعی در پراکنده کردن کارگران خشمگین نمود و تا لحظه تنظیم این گزارش مسئولین دولتی هیچگونه پاسخگویی به این کارگران نداشته‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت مناطق نفتخیز جنوب

اعتراض پرستاران تامین اجتماعی به بی نتیجه ماندن مذاکرات بازنشستگی

این پرستاران می‌گویند طبق قانون، پرستاری جزو شغل‌های سخت و زیان آور است و باید طبق قانون این شغلها با آن برخورد شود و بر اساس بند ۱ جزء ماده ۷۶ تامین اجتماعی پرستاران با سابقه ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب به ازای هر سال سابقه بیمه، ۱ ماه و نیم حق بیمه محاسبه و به آنها پرداخت شود و می‌توانند در خواست مستمری بازنشستگی کنند. اما پرستاران می‌گویند سازمان تامین اجتماعی از اجرای ماده ۷۶ سر باز می‌زند. این پرستاران سال گذشته نیز برای اجرایی شدن ماده ۷۶ تامین اجتماعی چند بار دست به اعتراض زدند.

روز دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۱ جمعی از کارکنان رسمی شرکت مناطق نفتخیز جنوب مقابل ساختمان این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارکنان خواستار تثبیت و تداوم نوبت‌کاری شیفت ۱۲ ساعته هستند. از زمان آغاز اپیدمی کرونا نوبت‌کاری این کارکنان به شیفت ۱۲ ساعته تغییر کرد و اکنون مدیریت شرکت مناطق نفتخیز جنوب تغییر شیفت‌کاری به ۸ ساعته را اعلام کرده‌اند. کارکنان به این تصمیم جدید معترض هستند و خواهان تثبیت شیفت‌کاری فعلی هستند.

بلاک‌کلیفی کارگران بیکار شده شهرداری ایلام

تجمع اعتراضی رزیدنت‌های دندانپزشکی اصفهان
روز شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ رزیدنت‌های دندانپزشکی اصفهان در اعتراض به عدم دریافت کمک هزینه تحصیلی برابر با رزیدنت‌های پزشکی دست به تجمع زدند.

پس از گذشت ۲۲ روز از اعلام پایان فعالیت پیمانکار بخش عمران شهرداری ایلام هنوز وضعیت نزدیک به ۹۰ کارگر بیکار شده این واحد خدمات شهری نامعلوم است به همین دلیل آنها بارها اعتراض برگزار کرده‌اند. کارگران بیکار شده در تشریح مشکلات خود گفتند: از سالها قبل تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری به عنوان کارگر واحد عمران (برای کارهای عمرانی و رفت روب شهر) مشغول به کار بوده‌ایم اما از زمان خاتمه قرارداد آخرین پیمانکار، وضعیت شغلی مشخصی نداریم و تاکنون هنوز نتوانسته‌ایم مطالبات معوقه خود را از پیمانکار دریافت کنیم. در حال حاضر شهرداری با این بهانه که بعد از خروج پیمانکار قبلی، بدنبال قرارداد کار با پیمانکار جدید برای ادامه کار است، کارگران را در انتظار نگه داشته است.

تجمع اعتراضی فعالین محیط زیست برای حمایت از میانکاله

شماری از فعالان محیط زیست، روز شنبه بیست فروردین ماه، مقابل ساختمان سازمان حفاظت محیط زیست در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان با در دست داشتن نوشته‌هایی، نسبت به اهمال مسئولان در حفاظت از مراتع و جنگل‌های میانکاله و اجرای پروژه پتروشیمی در این منطقه اعتراض کردند. علیرغم مخالفت‌های گسترده فعالین محیط زیست، مسئولان ضمن موافقت با تاسیس مجتمع پتروشیمی در میانکاله، کمر به نابودی منابع طبیعی و اکوسیستم این منطقه بسته‌اند.

تجمع اعتراضی کشاورزان اصفهان

روز دوشنبه ۲۲ فروردین، کشاورزان حبابه‌دار اصفهان جهت مطالبات خود در مقابل استانداری اصفهان برای گرفتن حبابه قانونی خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها می‌گفتند، ۲۰ سال است که آب رودخانه زاینده رود را به غارت برده‌اند.

اخراج ۲۳ نفر از کارگران معترض کشت و صنعت لرستان

هفته گذشته کارگران مجتمع کشت و صنعت لرستان در پی اعلام مسئولان این شرکت مبنی بر اینکه امکان ادامه فعالیت کارگران منوط به انعقاد قرارداد با پیمانکاری خارج از مجموعه خواهد بود، طی

جهانی کار برای آزادی نمایندگان کانون مدافعان حقوق کارگر

۱۷ فروردین ۱۴۰۱: دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه جهانی کارگری درخواست نامه‌اش با ذکر موارد نقض حقوق کارگری نمایندگان کانون مدافعان حقوق کارگر خواهان مداخله فوری دبیرکل سازمان جهانی کار برای آزادی فوری و بی قید و شرط هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی از حکومت ایران است. در این درخواست نامه اعلام شده است که خانم صفرزاده و آقای ثقفی در تاریخ ۳ مرداد ۱۳۹۸ به اتهام واهی «تبلیغ علیه نظام» در دادگاه انقلاب کرج محاکمه و به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند. هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی و دیگران در یک تجمع خصوصی در محل کار آقای ثقفی بازداشت شدند. در حالی که دیگر فعالان در همان روز آزاد شدند، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی همچنان در یکی از خشن‌ترین زندان‌های ایران (کجویی) جایگاه زندانیان به دلیل جرایم سنگین جنایی در حبس هستند به سر می‌برند. کنفدراسیون یادآور می‌شود که کمیته آزادی تشکل‌ها و کمیته کاربرد استانداردها بارها توجه حکومت ایران را به عدم رعایت حقوق اساسی و کنوانسیون‌های اصلی سازمان بین‌المللی کار جلب کرده‌اند. کنفدراسیون درخواست مداخله عاجل از سازمان جهانی کار را اعلام داشته و خواسته تا از حکومت ایران بخواهند، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی فوراً و بدون قید و شرط را آزاد کنند، هرگونه اموال مصادره شده آنها را بازگرداند، و همه اتهامات علیه آنها را لغو کند و از هرگونه دستگیری، آزار و اذیت و ارباب بیشتر دست بردارد.

محاکمه رادا مردانی

رادامردانی دوشنبه ۲۲ فروردین به اتهام تبلیغ علیه نظام در شعبه ۱۰۱ دادگاه نور آباد لرستان محاکمه شد. مردانی پیش از این با همین اتهام در کرج محاکمه و منع تعقیب گرفته است.

احضار صلاح آزادی از فعالین صنفی مریوان

روز پنج شنبه ۱۸ فروردین آقای آزادی به پلیس فتا شهرستان مریوان احضار و ضمن بازجویی گوشی ایشان ضبط گردید. متعاقباً در اقدامی سریع از سوی پلیس، پرونده به شعبه یک بازپرسی ارجاع و اتهامات ناروایی به ایشان منتسب گردیده است.

شاپور احسانی‌راد به مرخصی درمانی آمد

روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۱ شاپور احسانی‌راد تحت عنوان مرخصی درمانی و با تودیع وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی از زندان تهران بزرگ خارج شد. شاپور احسانی‌راد عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مدت زیادی است که از بیماری چشم و کمر رنج می‌برد و مسئولین زندان نه برای درمان وی اقدام جدی صورت دادند و نه با مرخصی او موافقت می‌کردند که نهایتاً با پیگیری‌های فراوان و پس از موافقت با اعطای مرخصی درمانی از زندان آزاد شد.

جانباختن یک کارگر ساختمانی در مریوان

روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ یک کارگر ساختمانی به نام ولی ازغ اهل روستای بلبر و دارای دو فرزند به دلیل سقوط از ارتفاع حین انجام کار در میدان پیشمرگه شهر مریوان جان خود را از دست داده است. ما ضمن ابراز تأسف عمیق از درگذشت ولی ازغ به بازماندگان او بویژه همسر و فرزندان تسلیت می‌گوییم.*

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

- اجتماعات بازنشستگان

تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در چندین شهر از جمله قزوین، کرمانشاه، اصفهان، اراک، اهواز، ایلام، رشت، کرمان و تبریز مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استانها دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی تهران نیز همزمان با شهرهای دیگر مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. این بازنشستگان خواستار تعیین تکلیف افزایش مستمری سال جدید و اجرای کامل همسان‌سازی می‌باشند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات مقابل ساختمان ستاد اجرای فرمان خمینی

روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین بازنشستگان شرکت مخابرات ایران مطابق فراخوان از پیش اعلام شده و در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان ستاد اجرای فرمان خمینی در تهران دست به تجمع زدند. این تجمع مورد هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت و طبق اظهارات بازنشستگان تعدادی نیز دستگیر شده‌اند. شرکت مخابرات ایران تحت مالکیت ستاد اجرایی فرمان خمینی و سپاه است و بازنشستگان پس از چندین نوبت تجمع مقابل ساختمان شرکت، امروز مقابل ساختمان ستاد اجرایی که از مالکان است دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کانون‌های بازنشستگانی صنعت نفت در سراسر کشور

روز ۲۳ فروردین ماه جمع‌هایی از بازنشستگان صنعت نفت در مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در شهرهای تهران، کرمانشاه، اهواز، کرج و چند شهر دیگر تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان صنعت نفت که در اعتراض به وضعیت معیشتی خود و پایین بودن میزان مستمری دریافتی، تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند، خواهان اجرای طرح همسان‌سازی در مورد بازنشستگان صنعت نفت شدند.

- بازداشتها و زندانیان

احضار و پرونده‌سازی امنیتی برای محمود بهشتی لنگرودی

طی ابلاغیه الکترونیکی که برای وکیل محمود بهشتی لنگرودی نایب رئیس کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ارسال شده است، وی قرار است روز شنبه ۲۷ فروردین به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رهبری» در شعبه ۱۰۱ (کیفری ۲) دادگاه عمومی و انقلاب شهرستان لنگرود محاکمه می‌شود.

درخواست کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری از سازمان

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienszade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

زنده باد اول مه!

آفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۲

www.helcomunist.org

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!